اطلاعات ۱۳۰۵
*دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ *۳۰ محرم ۱۴۴۶
*۵ آگوست ۲۰۲۴ * سال نودونهم * شماره ۲۸۷۳۱
ettelaat.com ettelaatonline

پرسش‌هایی از نسبت میان نهضت حسینی با حقوق بنیادین بشری

سیدمصطفی محقق داماد
محمد درویش‌زاده

گزارش اجتماعی

مقدمه: نهضت حسینی ظرفیتی زاینده و پایان ناپذیر دارد، هرچند گاه شاهد برخی تحریف‌ها یا تصویرهای موهن از این نهضت تاریخ ساز بوده‌ایم و هرچندگاه روایت‌هایی نامتناسب، سبک انگارانه و ناسازگار با فلسفه نهضت حسینی از برخی تریبون‌های رسمی و صدا و سیما منتشر شده‌اند؛ اما ظرفیت معنایی و الگوگیری از نهضت حسینی همچنان بی بدیل و زاینده است. در این راستا شاید پرسش از نسبت‌سنجی میان نهضت حسینی با حقوق بنیادین بشری، وجه دیگری از این ظرفیت عظیم را- در حوزه اندیشه‌ورزی و تحلیل- نمایان سازد؛ لذا در این نوشتار تلاش می‌شود ابتدا مسأله اصلی توضیح داده شود، سپس پیش‌نویسی اولیه از پرسش‌هایی قابل پژوهش در این زمینه مطرح شود. در ادامه ضرورت و فواید پاسخ به این پرسش‌ها بیان شده،، سپس مشکلات و موانع مربوط به این پژوهش مرور می‌شوند و در پایان نیز برخی نقاط الهام‌بخش در انجام چنین پژوهشی، علامت‌گذاری می‌شوند. امید آنکه مورد قبول خاندان کرامت (علیهم آلاف التحیّه و السلام) قرار گیرد و استادان حقوق و تاریخ و پژوهشگران دینی و آیینی با اصلاح پرسش‌ها و پرداخت پژوهشی به آنها بر عمق و سطح آن بیفزایند و آن را امتداد بخشند.

بیان مسأله

قریب به ۱۴۰۰ سال از تاریخ عاشورا می‌گذرد؛ ماندگاری و اثرگذاری این واقعه در سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اندیشه‌ای، نکته‌ای قابل توجه است. در طول قرن‌های گذشته تفسیرهای مختلفی از این واقعه تاریخی ارائه شده‌اند؛ ازجمله رویکردهای حماسه‌گرا، انقلابی‌گرا، اصلاح‌گرا، ظلم‌ستیز، سوگ‌گرا، تقدیرگرا و... . تنوع این رویکردها از طیف درون‌گرا تا برون‌گرا را پوشش می‌دهد. به عبارت دیگر، زاویه‌دید و تفسیر این جریان تاریخی بسیار متفاوت است؛ برخی آن را انقلاب می‌دانند، برخی آن را قیام می‌دانند، برخی آن را حرکتی اصلاح‌گرایانه می‌شمارند، برخی آن را نهضتی فراگیر و جهان‌شمول می‌بینند، برخی آن را واقعه‌ای تاریخی می‌نامند که با تغییر و تحریف فراوان به ما رسیده است، برخی آن را واکنش انسانی و اخلاقی و تکرارشونده در رویدادهای مستمرزندگی می‌شمارند، برخی آن را معلول جهل مقدس و دسیسه مشترک حاکمان و عالمان درباری می‌دانند، برخی آن را معلول سیاست‌بازی و فرایندهای حاکم بر جهان سیاست می‌بینند، برخی آن را برآمده از احقاد بدری و حنینی یا نتیجه طبیعی چرخه خشونت توصیف کرده‌اند، برخی دیگر آن را با فلسفه شفاعت امت و با درونمایه‌ای از حزن و اندوه و سوگ و آیین تفسیر کرده‌اند و...

شاید بتوان گفت در زمانه ما بیشترین و پررنگ‌ترین تفسیری که از حرکت امام حسین (ع) ارائه شده، «ادبیات قیام و مبارزه» است.

در مجموع به نظر می‌رسد تکثر رویکرد و تعدد زاویه تحلیل از نهضت حسینی امری مثبت است، زیرا موجب شناخت ابعاد و زوایای مختلف آن می‌شود. در این میان پرسش از فلسفه حقوق بشری نهضت حسینی و سؤال از امکان و امتناع این فلسفه کمتر مطرح شده‌است. به عبارت دیگر، شناسایی حقوق بنیادین بشری و نحوه پیدایی و پایداری آن در نهضت حسینی به کاوش گذاشته نشده‌است. لذا این سؤال‌ها در این زمینه قابل طرح است: آیا در حرکت ایشان عناصر و مفاهیمی از حقوق بنیادین بشر -به صورت واضح و اعلام‌شده- قابل شناسایی است؟ همچنین صرف نظر از اعلام رسمی این مفاهیم در نهضت حسینی، آیا چنین حقوقی در حرکت مزبور اعمال شده‌است؟ آیا می‌توان ردپایی از اعمال چنین حقوقی، کشف و ارائه کرد؟ آیا می‌توان از پایمالی این حقوق در نهضت حسینی، گزارشی مستند و تاریخی داد؟ آیا وقایع تاریخی مزبور می‌توانند در پیدایی و پایداری حقوق بنیادین بشر مورد استناد و ارجاع قرار گیرند؟ و به طور کلی نسبت‌سنجی میان نهضت حسینی با حقوق بنیادین بشری، چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

پرسش‌های فراراه

پرسش و نسبت‌سنجی میان «حقوق بنیادین بشر» با رویدادهای گزارش شده در حرکت امام حسین (ع) با پرسش‌های زیر روبروست:

۱- حقوق بنیادین بشری چگونه تعریف می‌شوند؟ با چه معیارهایی شناخته می‌شوند؟ چه مصادیقی دارند؟

۲- حقوق بنیادین بشری به دنبال تحقق کدام ارزش‌های بنیادین هستند؟

۳- رویدادهای گزارش شده در نهضت حسینی در سه مقطع (قبل از آغاز نبرد، با آغاز نبرد تا پایان روز عاشورا و پس از عاشورا) چه نسبتی با حقوق بنیادین بشری می‌توانند پیدا کنند؟

۴- ارزش‌های بنیادینی که در حرکت امام حسین (ع) دنبال شده‌اند، چه نسبتی با ارزش‌های اصلی و سازنده حقوق بنیادین بشر دارند؟

۵- مفاهیم حقوق، عدالت، برابری و تساوی، کرامت ذاتی انسان، آزادی‌های انسانی، مصونیت‌ها، حق حیات، حق آزادی، حق تعیین سرنوشت، آزادی انتخاب و امثال آن در رویدادهای گزارش شده از حرکت امام حسین (ع) چگونه انعکاس یافته‌اند؟ و نسبت‌سنجی میان آنها چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

۶- سنجش گری از مبانی هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی که در حقوق بنیادین بشری وجود دارند با وقایع و رویدادهای نهضت حسینی چه نسبتی را نشان می‌دهد و نقاط اشتراک و افتراق آنها چیست؟

فواید و ضرورت‌های پژوهش

یکی از پرسش‌های مقدماتی این است که ایجاد رویکرد جدید در مطالعات عاشوراپژوهی و تمرکز بر زاویه دید حقوق بشری در ارزیابی مفاهیم، وقایع و پدیده‌های دینی، مذهبی و آیینی چه فایده و ضرورتی دارد؟ و پرسش صریح‌تر و فراتر اینکه چه مستنداتی اجازه می‌دهد که درزمینه فلسفه حقوق بشری حرکت امام حسین (ع) پژوهشی انجام شود؟

برخی از ضرورت‌هایی که در این زمینه وجود دارند، عبارتند از:

۱- روند طبیعی در مطالعات حقوقی وقایع تاریخی: اساساً ارزیابی مسائل اجتماعی و نیز رخدادهای تاریخی از نگاه حقوق بشری، از روندهای رایج و نوظهور در دانش حقوق است و بر این اساس، نهضت حسینی به‌عنوان یک رخداد تاریخی حداقل از این زاویه قابل مطالعه است.

۲- توسعه مطالعات عاشوراپژوهی: عاشوراپژوهی و تولید ادبیات و محتوای تخصصی، امری مستمر است و اکنون در مقام یک نیازسنجی پژوهشی احساس می‌شود که ادبیات عاشوراپژوهی در زمینه حقوق بنیادین بشری و بنیان‌های اخلاقی و انسانی حرکت اصلاحی و فلسفه حقوق بشری نهضت امام حسین از ضعف مفرط برخوردار است و خلأهای پژوهشی بسیاری در این زمینه وجود دارند.

۳- خوانش معاصرانه از رویداد عاشورا: این پژوهش، خوانشی معاصرانه از سنت و تاریخی کهن را بر عهده دارد و هدف آن، توضیح یک رخداد تاریخی دینی و آیینی با ادبیات رایج زمانه است. بنابر این فایده این تحقیق آنست که خوانش معاصرانه از سنت‌ها و رخدادهای کهن می‌تواند آنها را به‌روزرسانی کرده و در حفظ و توضیح و توجیه آنها مؤثر باشد.

۴- ماهیت حقوق بنیادین بشری: حقوق بنیادین حقوقیست که برای انسان بماهوانسان شناسایی شده‌است و دولت‌ها در هیچ شرایطی اجازه نقض آن را ندارند. طبیعی است که مطالعه حرکت ماندگار امام حسین (ع) که در طول قرون متمادی منشأ الهام گروه‌های مختلف بشری شده، از زاویه این مفاهیم، امری مطلوب و مرجح باشد.

۵- تقویت وجه الهام‌بخشی و فرادینی عاشورا: نهضت حسینی برای افراد غیر شیعه و حتی غیر مسلمان، منبعی الهام‌بخش بوده‌است. مستندات بسیار محکم و متقنی وجود دارند که نشان می‌دهند جریان عاشورا برای مصلحان بشری، فیلسوفان اجتماعی، توده‌های مردم و ادیان مختلف، حرکتی الهام‌بخش بوده و بنابراین مطالعه آن از منظر حقوق بنیادین بشری، قطعا مفید و مؤثر خواهد بود. از زاویه دیگر، بنیان هستی شناسی حقوق بنیادین بشری به‌گونه‌ای است که پیشینه‌ای به بلندای عمر بشر دارد، زیرا حقوق بنیادین برخاسته از فطرت انسانی و ارزش‌های بنیادین در تاریخ اندیشه سیاسی است و بنابراین مطالعه این رویداد تاریخی از این زاویه نیز مطلوبیت دارد.

۶- آزمون مفروضات حقوق بنیادین بشری: مفروضات صاحب‌نظران حقوق بنیادین بشر آن است که این حقوق فرازمان و فرامکان بوده و همواره وجود داشته‌اند. بر این اساس، صرف نظر از اینکه حرکت اصلاحی امام حسین، وفاداری یا انتساب به حقوق بنیادین بشر را داشته باشد یا نه، این پژوهش از زاویه نسبت‌سنجی میان ادعای فرازمانی و فرامکانی حقوق بنیادین بشر با رویدادی تاریخی که تاکنون -بعد از ۱۴۰۰ سال- ماندگار شده‌است، از مطلوبیت و ارزش علمی برخوردار است. از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت نسبت‌سنجی میان دو مسأله (حرکت اصلاحی امام حسین و رویکرد حمایتگرانه از حقوق بنیادین بشر) از این جاذبه نیز برخوردار است که از یک سو افرادی هستند که دل در گرو این هر دو دارند؛ لذا پرسشگری از رابطه میان آنها برای کسانی که دل در گرو هر دو دارند، جاذبه دارد و از سوی دیگر نیز افرادی که هیچ تعهدی به حقوق بنیادین بشری و مفاهیم برآمده از آن ندارند نیز از این جهت با این پژوهش مرتبط می‌شوند که این افراد، حداقل نگران گم شدن پیام و هدف اصلی امام حسین هستند. لذا چنانچه در این پژوهش، رابطه‌ای میان این دو مقوله شناسایی شود می‌تواند در هیاهوی تفسیرهای مختلفی که از نهضت حسینی شده‌است به کمک آید و به روشن شدن هرچه بیشتر هدف اصلی و پیام مرکزی واقعه عاشورا کمک کند و در نتیجه برای گروه دوم نیز این پژوهش منشأ فایده و اهمیت خواهد بود.

مشکلات و موانع

اساساً رویکرد منطبق سازی آموزه‌های دینی، سنت‌های کهن و رویدادهای تاریخی با یافته‌های نوین بشری، به دلایل مختلف مورد انتقاد است؛ به‌ویژه که این رویکرد بارها تکرار شده و به نحوی انفعال، توجیه‌گری و دنباله‌روی سنت کهن از پدیده‌های نوین را به ذهن می‌آورد که امری متناقض است.

علاوه براین و به طور خاص نیز این پژوهش از جهات متعددی می‌تواند مورد انتقاد باشد که اهم آنها به شرح ذیل است:

۱- تئوری‌های مربوط به حقوق بنیادین بشری که اکنون توسط مراجع بین‌المللی شناخته شده‌اند از دستاوردهای نوین معرفت‌شناسانه بشری هستند و از عمر آنها زمان زیادی نمی‌گذرد. بنابراین منطبق‌سازی واقعه‌ای تاریخی که در ۱۴۰۰ سال گذشته پدید آمده‌است بر این یافته‌های نوپیدا و نوپدید بشری، رفتاری انفعالی است.

۲- هدف نهایی و بنیان هستی‌شناسی در حقوق بنیادین بشری مبتنی بر فلسفه اومانیسم بوده که هیچ ارتباطی با هدف نهایی امام حسین ندارد. با فرض آنکه مصادیقی از حقوق بنیادین بشری در جریان عاشورا شناسایی شوند اما این حقوق تماماً نقش مقدماتی برای دستیابی به هدف نهایی امام حسین (ع) دارند. بنابر این پرسش از نسبت میان رویدادهای حرکت حسینی با مصادیق حقوق بنیادین بشر به خاطر تفاوت هدف آنها مورد تردید است.

۳- این پژوهش موجب رویکرد تقلیل‌گرایانه به حرکت اصلاحی امام حسین می‌شود، زیرا زاویه دید بسیار محدودی را بر این نهضت می‌گشاید و موجب می‌شود سایر زوایای قابل پژوهش در این حرکت نادیده گرفته یا کمرنگ شوند. تقلیل‌گرایانه بودن این رویکرد ناشی از آن است که تمامی مبانی حقوق بنیادین بشری حداکثردر محدوده زیست دنیایی مطالعه می‌شوندوفاقدنگرش آخرت‌گراهستند در حالی که حاکمیت نگرش‌های آخرت‌گرا در جریان عاشورایی موج می‌زنند و مطالعه این حرکت با انقطاع از نگرش آخرت‌گرایانه، مطالعه‌ای ناقص و ابتر و بدون توجه به ریشه‌ها و بنیان‌های اندیشه‌ای آن خواهد بود.

۴- تفاوت در مبانی، منابع و اهداف میان دو پدیده مورد مطالعه (حرکت امام حسین و حقوق بنیادین بشری) بسیار مسلم است؛ چه این که این دو پدیده به لحاظ پیش فرض‌ها، مبانی، منابع و اهداف کاملاً متفاوت بوده و بررسی آنها با تفاوت‌های زیرساختی و بنیادین میان این دو نمی‌تواند پژوهشی روشمند به حساب آید.

اما در ارزیابی اولیه از موانع و مشکلات این پژوهش باید گفت که در هر پژوهشی -به‌ویژه زمانی که در پی شناسایی رویکردهای ابتکاری در رویدادهای تاریخی و سنت‌های کهن هستیم- همواره مشکلاتی در پیش رو داریم که نباید از آنها به‌عنوان موانع نام برد زیرا: اولاً معیار در حقوق بنیادین بشر آن است که دولت‌ها در هیچ شرایطی اجازه نقض آن را ندارند، نظیر آنچه در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ آمده است. ثانیا اگر فرضیه تحقیق به اثبات برسد، مساوی وحدت در اهداف و گفتمان هستی‌شناسانه نهضت حسینی با حقوق بنیادین بشر نیست؛ حتی در خود اسناد بین‌المللی نیز در زمینه حقوق بشر بر تنوع فرهنگی و گزینش بین حقوق بنیادین تأکید شده‌است. ثالثا رابطه تساوی و انطباق یکی از انواع نسبت‌های چهارگانه منطقی است و سه نوع نسبت دیگر وجود دارد که تساوی و انطباق در آنها وجود ندارد و رابعا تئوری منطق فازی نیز از این نظریه دفاع می‌کند که بین صفر و صد هم مناطقی وجود دارند که به هیچ یک از دو طرف صفر یا صد وابسته نیستند.

بنابراین وجود مشکلات عدیده در مسیر این تحقیق، موجب نفی امکان و فواید آن نیست.

نقطه‌های الهام‌بخش

برخی نقطه‌های الهام‌بخش در پرسش از رابطه حقوق بنیادین بشری با حرکت امام حسین وجود دارند که به اختصار مرور می‌شوند:

۱- جریان حرکت مستمر امام از مدینه تا مکه و سپس کوفه و واقعه کربلا با «حق بر حرکت» به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بنیادین بشری قابل مطالعه است.

۲- جریان اختیاری بودن مشارکت افراد در حرکت حسینی با حق مشارکت اجتماعی افراد قابل مطالعه است؛ به‌گونه‌ای که امام آزاداندیش و آزادمنش هیچ اصراری به تداوم بیعت یاران و همرزمان خود نداشته و از زمانی که فضای ناامیدی استشمام شد، سه بار آنان را از بیعت آزاد کرد که از مصادیق مشخص حق مشارکت افراد است.

۳- گفتگوها، مذاکرات پیام‌ها، نامه‌ها و مطالبی که از جریان حرکت امام حسین قابل استناد است (در سه مقطع زمانی قبل از نبرد، حین نبرد و پس از آن) نظیر امتناع از بیعت و... نشان از آزادی انتخاب کنش شخصی در مقیاس فرد و جامعه دارد که قابل انطباق با حق تعیین سرنوشت در مقیاس کلان است.

۴- تأکید امام بر نفی حکومت جائر و مستبد و مقاومت در مقابل بیعت مخفیانه (در مدینه) یا بیعت اجباری (در طول حرکت) و نفی دست‌اندازی حکومت به حریم دین و فریب افکار عمومی که در اسناد و مکاتبه‌های این رویداد تاریخی وجود دارد با مصادیق متعددی از حقوق بنیادین بشری قابل مقایسه است؛ به این معنا که می‌توان نمونه‌های زیادی از این موارد و مصادیق آنها را شناسایی و نمونه‌برداری کرد و نسبت میان آنها را سنجید.

۵- تعیین مصادیق آن دسته از حقوقی که کسی از آدمیان آن را به افراد نمی‌دهد و بنابراین نمی‌توان آن را سلب کرد و نباید نقض شود، نظیر حق بر حیات و حق آزادی و برابری انسانی ... از مسائلی است که شناسایی مصادیق آنها در سه مقطع (قبل از جنگ و در هنگام جنگ تا پایان روز عاشورا و پس از واقعه عاشورا) قابل مطالعه است.

۶- تعیین مصادیق آن دسته از حقوقی که در زمره حقوق مدنی و سیاسی بشر قرار می‌گیرند و انطباق یا همسایگی کاملی با حقوق بنیادین دارند، نظیر آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عقیده، حق برخورداری از محاکمه منصفانه و ... با مطالعه سه مقطع (قبل، حین و بعد عاشورا) قابل پژوهش است.

۷- ارزیابی مصائب عاشورا از نقطه نظر منع کشتار دسته جمعی، نقض وحشیانه حقوق زنان، کودکان و غیر نظامیان و ... به‌ویژه در دو مقطع حین و بعد از عاشورا قابل توجه و بررسی است.

> نهضت حسینی برای افراد غیر شیعه و حتی غیر مسلمان، منبعی الهام‌بخش بوده‌است. مستندات بسیار محکم و متقنی وجود دارند که نشان می‌دهند جریان عاشورا برای مصلحان بشری، فیلسوفان اجتماعی، توده‌های مردم و ادیان مختلف، حرکتی الهام‌بخش بوده و بنابراین مطالعه آن از منظر حقوق بنیادین بشری، قطعا مفید و مؤثر خواهد بود

> گفتگوها، مذاکرات پیام‌ها، نامه‌ها و مطالبی که از جریان حرکت امام حسین قابل استناد است (در سه مقطع زمانی قبل از نبرد، حین نبرد و پس از آن) نظیر امتناع از بیعت و... نشان از آزادی انتخاب کنش شخصی در مقیاس فرد و جامعه دارد که قابل انطباق با حق تعیین سرنوشت در مقیاس کلان است

بررسی مسأله حریم خصوصی در حقوق مدرن

حریم خصوصی از نظر قانون اساسی

بخش سوم

سید یوسف الماسی حسینی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

گزارش اجتماعی

اشاره: در شماره قبلی در بررسی مسأله حریم خصوصی در حقوق مدرن به جنبه‌های حریم خصوصی و آموزه‌های فقهی و اسلامی پرداخته شد. در این شماره حریم خصوصی در قانون اساسی و قانون مجازات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- قوانین و مقررات و حریم خصوصی

۵-۱- قانون اساسی

ضرورت تصریح به حریم خصوصی و حمایت از این حق در قانون اساسی (و نه در سایر قوانین عادی) از این جهت است که قوانین خاص معمولاً در پرتو قوانین عام و علی‌الخصوص قانون اساسی ظهور می‌یابند. اگر چه به اعتقاد برخی (انصاری، پیشین: ۱۳۷) در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان حمایت کرده باشد وجود ندارد، ولی لازم به ذکر است که از اصول متعددی که در قانون اساسی در حمایت از حریم خصوصی آمده است استنباط می‌شود که مبنای حمایت از حریم خصوصی در قانون اساسی موجود است و از راه تفسیر می‌توان حریم خصوصی را مورد حمایت قانون اساسی دانست.

در سه اصل قانون اساسی، می‌توان رد پای توجه به حریم خصوصی را به آسانی تشخیص داد. اصل بیست و دوم قانون اساسی می‌گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». در این اصل گفته شده؛ حیثیت و جان افراد از تعرض مصون است، جان را می‌توان به مفهوم وسیع آن به معنی جسم و فیزیک بدن درنظر گرفت. همچنین کلمه حقوق که می‌توان با تفسیر موسع، حریم خصوصی را یکی از حقوق و مشمول این اصل دانست. مال و مسکن هم که مورد پذیرش حقوق بین‌الملل در موضوع حریم خصوصی می‌باشد. اصل بیست و سوم اشعار می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض قرار داد.» بزرگ‌ترین اشکال این ماده قانون، مشخص نبودن حدود و ثغور تفتیش است. در کشور ما اگر چه تفتیش عقاید به طور رسمی صورت نمی‌گیرد ولی نمونه‌هایی از این کار، به خصوص هنگام استخدام افراد و سایر مواقع قابل مشاهده و درک است و در اصل بیست و پنجم آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگراف و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

باوجود اینکه در این اصل برخلاف نظر برخی (رجبی، پیشین: ۵۸) به صراحت به آزادی ارتباطات اشاره نشده است؛ اما می‌توان این اصل را بسیار مهم در حمایت از حریم خصوصی ارتباطات دانست و حتی آن را به وسایل ارتباطی جدید مانند ارتباطات اینترنتی تعمیم داد.

در اصل بیستم بر رعایت «حقوق انسانی» همه افراد تأکید شده است. حق داشتن حریم خصوصی با کرامت و تمامیت انسان‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد و در زمره مهم‌ترین حقوق انسانی است که در اسناد بین‌المللی بسیاری از آن نام برده شده است.

در اصل سی و نهم گفته شده: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است»، که نشان دهنده حفظ حرمت و حریم تمام افراد حتی مجرمین و افراد در مظان اتهام است و این موضوع ارتباط مستقیم به نیروهای مسلح دارد؛ چرا که نگهداری افراد بازداشت شده معمولاً در اختیار ضابطین قضایی است.

۵-۲- قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی به بیان جنبه‌های حریم خصوصی، علی‌الخصوص حریم خصوصی جسمانی و مکانی (منزل) پرداخته است که در اینجا مواردی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص منع شکنجه اعلام می‌دارد: اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید. ماده ۲۱۸ نیز در زمینه منع شکنجه می‌باشد که نشانگر توجه قانون‌گذار به حفظ حریم خصوصی جسمانی می‌باشد. ماده ۵۷۸ از کتاب پنجم در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز به منع گرفتن اقرار به وسیله شکنجه اشاره دارد و مأمورین دولتی و قضایی متخلف را به مجازات حبس و پرداخت دیه محکوم می‌کند.(۴)

مواد مربوط به حدود و دیات اعضای بدن نیز از جمله موارد مربوط به بحث حریم خصوصی عنوان مثال مواد ۶۸۲ الی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص از بین بردن شنوایی و مواد ۶۸۹ الی ۶۹۲ در خصوص از بین بردن بینایی افراد است که قانون‌گذار با مجازات‌هایی از جمله پرداخت دیه به مقابله با تعرض به حریم جسمانی افراد رفته و سعی در جبران نقض حریم جسمانی می‌باشد.

مواد ۵۷۲(۵) تا ۵۷۵ از کتاب پنجم در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ در حمایت از حریم خصوصی جسمانی گفته شده است که قابل توجه می‌باشد و کاملاً مرتبط با نیروهای مسلح و ضابطین قضایی است.

مواد ۵۸۰(۶) و ۶۹۴ از کتاب پنجم در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ به نقض حریم خصوصی منازل اشاره می‌کند. چنانچه در ماده ۶۹۴ به طور کلی گفته می‌شود که «هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند»؛ اما ماده ۵۸۰ در خصوص مأمورین دولتی یا به عبارتی دیگر ضابطین دادگستری می‌باشد. در همین خصوص مواد ۶۹۱ و ۶۹۲ نیز برای حریم خصوصی اماکن ضمانت اجراپیش بینی کرده‌اند.

مواد ۵۸۲ و ۶۴۱ کتاب پنجم در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز در خصوص حریم خصوصی ارتباطات می‌باشد که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

ماده ۵۸۲: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدون یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یکسال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

این ماده در رابطه با افراد خاصی است که بنا به موقعیت شغلی خود به عنوان واسطه در ارتباطات عمل می‌کنند و به اطلاعات افراد دسترسی دارند و همه افراد جامعه را شامل نمی‌شود.

ماده ۶۴۱: «هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک شش ماه محکوم خواهد شد».

اگر مزاحمت‌های تلفنی رایکی از مصداق‌های حق خلوت و تنهایی افراد بدانیم که به حق هم همین طور است، این ماده این گونه مزاحمت‌ها را مستوجب کیفر دانسته است. عبارت «دستگاه‌های مخابراتی دیگر»، ماده مارالذکر، را به تنها ماده‌ای که این توانایی را دارد که به حفظ حریم خصوصی اطلاعات در فضای مجازی هم کمک کند، تبدیل کرده است.

مواد ۶۰۴ و ۶۴۸ از کتاب تعزیرات را نیز می‌توان از جمله مواد حمایتی از حریم خصوصی اطلاعات دانست. در سایر مواد قانون مجازات اسلامی همان طور که در بالا گفته شد برای جنبه‌های دیگر حریم خصوصی ضمانت اجرا پیش بینی کرده‌اند. ماده ۵۷۰(۷) از کتاب پنجم در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده هم که یکی از مهم‌ترین مواد مربوط به نیروهای مسلح و حفظ حریم خصوصی اشخاص است به طور کلی و با ارجاع به قانون اساسی، داشتن حریم خصوصی را در زمره آزادی‌های شخصی افراد ملت دانسته است.

۵-۳- آیین دادرسی کیفری

با مطالعه و بررسی این قانون باید دید که میزان حمایت آن از حریم خصوصی چه میزان است، چرا که این قانون وسیله عملی موثر برای حمایت از حق حریم خصوصی است. مواد ۱۵۰ و ۱۵۲ در قانون آیین دادرسی کیفری (۸) را می‌توان در حمایت از حق حریم خصوصی در حوزه اطلاعات و ارتباطات دانست.

ماده ۱۵۰: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.

ماده ۱۵۲: «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این عمر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند. استنکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورت مجلس قید می‌شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد می‌شود.

تبصره- موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد و پس از تأیید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می‌شود. در صورت عدم تأیید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه می‌رسد». بنابراین مشخص می‌شود که آیین دادرسی کیفری در مواجهه با موضوع صدور مجوز برای مداخله و ورود به حریم خصوصی از معیار و موازین بین‌المللی تبعیت کرده است ک معیار صحیح و منطقی می‌باشد. ورود به منزل و سایر اماکن خصوصی و تفتیش اموال موجود در آنها که در مواد ۵۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱ و ۱۴۰ این قانون آورده شده است.

۵-۴- قانون تجارت الکترونیک

بر اساس ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیک: «ذخیره، پردازش و یا توزیع داده پیام‌های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و داده پیام‌های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است».

باتوجه به ماده (۹) این قانون که قلمرو شمول آن را واسطه‌ای الکترونیکی و استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید معرفی می‌کند، می‌توان گفت که ذخیره، پردازش و توزیع داده‌های ذکر شده در ماده ۵۸ از طریق ارتباطات الکترونیکی غیرقانونی و ممنوع است.

از نوع بیان ماده مشخص می‌شود که داده‌هایی که ذخیره، پردازش و توزیع آنها ممنوع اعلام شده است، جنبه حصری دارند و توسعه مصادیق آنها مجاز نمی‌باشد.

ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیک با بیان تنها استثناء وارده بر اصل ممنوعیت پردازش داده‌های شخصی، شرایطی را در صورت وجود رضایت شخص موضوع داده پیام شرط می‌کند، از جمله؛ مشخص بودن اهداف و مورد استفاده قرار گرفتن تنها برای همان منظور، دسترسی شخص موضوع داده پیام به پرونده خود و امکان محو آن در هر زمان را بیان می‌کند. البته در صورتی که بنا بر دلایل امنیتی و مصالح عمومی نیاز به پردازش این داده‌ها باشد، مطمئناً این عمل از سوی حاکمیت انجام می‌گیرد. پس بهتر بود این گونه موارد هم احصاء و قانون‌گذاری می‌شد تا مراجع قضایی نتوانند مصلحت را به عنوان امری مبهم و مبنایی برای نقض حریم خصوصی بپذیرند.

در ماده ۶۰ این قانون، در خصوص ذخیره، پردازش یا توزیع داده‌های مربوط به سوابق پزشکی است که تفصیل این موضوع به آیین نامه‌ای محول شده است.

ماهنامه دادرسی

ادامه دارد

> در اصل سی و نهم گفته شده: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است»، که نشان دهنده حفظ حرمت و حریم تمام افراد حتی مجرمین و افراد در مظان اتهام است و این موضوع ارتباط مستقیم به نیروهای مسلح دارد؛ چرا که نگهداری افراد بازداشت شده معمولاً در اختیار ضابطین قضایی است.